

بحران در روابط سودان با همسایگان آن

دکتر اصغر جعفری ولدانی

مقدمه:

منطقه شاخ آفریقا در دهه ۱۹۷۰ شاهد رقابت شدید آمریکا و شوروی برای گسترش نفوذ خود بود. با کودتای نظامی در اتیوپی در ۱۹۷۴، نفوذ شوروی در شاخ آفریقا افزایش یافت. دولت جدید اتیوپی تسهیلاتی در جزایر دهلك و عصب در دریای سرخ در اختیار نیروی دریایی شوروی قرار داد. این کشور در ۱۹۷۸ با کمک شوروی و کوبا موفق شد منطقه صحرائی اوگان را از سومالی باز پس گیرد. به دنبال آن، سومالی شوروی را از دسترسی به پایگاه‌های دریایی بربره و مگادیشو، محروم کرد و آنها را در اختیار نیروی دریایی آمریکا قرار داد. از سوی دیگر یمن نیز صحنه رقابت و نفوذ دو ابر قدرت بود. نیروی دریایی شوروی از دیرباز از تسهیلات نظامی بندر عدن در خلیج تره (Turbar) و جزیره سوقطره متعلق به یمن جنوبی بهره می برد. آمریکا نیز از تسهیلات بنادر یمن شمالی استفاده می کرد.

با فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ نظام دو قطبی حاکم بر جهان از میان رفت. اکنون نظام جدیدی در حال شکل گیری است که از ویژگی های آن، اهمیت یابی مناطق ژئواکونومیک است؛ در حالی که در نظام دو قطبی، مناطق ژئوپولیتیک از اهمیت زیادی برخوردار بود. شاید مقایسه کویت با سومالی از این نظر قابل توجه باشد. کویت در نظام دو قطبی فاقد اهمیت ژئوپولیتیک بود و به همین دلیل چندان مورد توجه قدرت های بزرگ نبود. برعکس، سومالی به علت واقع شدن در شاخ آفریقا، در نظام دو قطبی گذشته اهمیت ژئوپولیتیک داشت و از

همین رو صحنه رقابت قدرت های بزرگ بود. اما در نظام جدید جهانی، کویت به علت داشتن ذخایر سرشار نفت، از موقعیت ژئواکونومیک مناسبی برخوردار است. این کشور ۱۰ درصد ذخایر نفت شناخته شده جهان را در اختیار دارد. نخستین تجربه نظام تازه جهانی نیز در مورد کویت به اجرا درآمد. در واقع، لشکر کشی نیروهای متحد به رهبری آمریکا برای خارج ساختن نیروهای عراقی از کویت در ۱۹۹۱ نه به خاطر خود کویت، بلکه به دلیل وجود ذخایر نفتی آن بود. به همین دلیل برخی جنگ خلیج فارس را جنگ نفت نامیدند. اما سومالی در نظام جدید به علت فقیر بودن، فاقد ارزش ژئواکونومیک است و از همین رو نیروهای نظامی آمریکا و غرب در ۱۹۹۲ آن را به حال خود رها کردند.

به این ترتیب اکنون دیگر، قدرت های بزرگ برای کنترل مناطق استراتژیک و ژئوپولیتیک تلاش نمی کنند. به همین دلیل شاخ آفریقا دیگر مورد توجه آمریکا، روسیه و سایر قدرت های بزرگ نیست. اما در این میان، قدرت های متوسط به جای آنها وارد صحنه رقابت شده اند و این رقابت به مناقشات این منطقه دامن زده است؛ بویژه که کشورهای این منطقه از دیرباز با یکدیگر اختلافات مرزی، ارضی، سیاسی و ایدئولوژیک داشته اند.

از سوی دیگر، فروپاشی شوروی و تحولات مرزها در اروپای شرقی نشان داد که مرزها دیگر محترم و غیر قابل تغییر نیست. این مسئله نیز موجب بروز تغییر و تحولاتی در این منطقه شده است.

لریتره» و «نهضت آزادیبخش دموکراتیک مردم اتیوپی» با هم متحد شدند و بر دولت هایله ماریام که از حمایت دولت شوروی محروم شده بود حملات گسترده‌ای را آغاز کردند. جبهه متحد موفق شد بنابر مسأله، اسباب و اسمره مرکز لریتره را متصرف شود. نیروهای متحد سپس در سال ۱۹۹۱ به سوی آدیس آبابا پایتخت اتیوپی حرکت کردند. فروپاشی شوروی مشوق این نیروها بود. هایله ماریام که تنها و بدون حامی مانده بود ناچار به زمینبازیه گریخت. نیروهای مخالف در ۲۸ مه ۱۹۹۱ ولرد آدیس آبابا شدند و به عمر حکومت ۱۴ ساله نظامیان در اتیوپی پایان دادند.

به دنبال آن مجلس زنای (Meles Zenawi) به ریاست جمهوری اتیوپی انتخاب شد. وی با توجه به کمک‌های «جبهه آزادیبخش مردم لریتره» و اتحاد با آن، با تشکیل يك دولت موقت در لریتره موافقت نمود. قرار شد این دولت موقت در مدت ۲ سال مقدمات برگزاری «همه پرس» برای استقلال لریتره یا الحاق آن به اتیوپی را تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی و نمایندگان کشورهای مختلف فراهم آورد. این «همه پرس» در اوایل ۱۹۹۳ انجام و ۹۹/۸ درصد مردم لریتره به استقلال این کشور رأی دادند. بدین ترتیب لریتره در ۲۷ آوریل ۱۹۹۳ رسماً استقلال یافت.

با این حال هنوز در اتیوپی امکان آغاز جنگ داخلی دیگری وجود دارد چرا که استقلال لریتره مردم سایر ایالت‌های اتیوپی را برای کسب استقلال تشویق کرده است. اتیوپی در حال حاضر با حاکمیت جبهه انقلابی دموکراتیک خلق و کمک جبهه آزادیبخش مردم تیگره که ۳ میلیون نفر طرفدار دارد، اداره می‌شود. اما جبهه آزادیبخش اورومو (حافظ منافع قبیله اورومو) نخست به حکومت جدید اتیوپی اعلام وفاداری کرد، ولی پس از مدت کوتاهی آن را متهم به نادیده گرفتن حقوق اوروموها نمود. این امر موجب درگیری‌های جدیدی بین این گروه و دولت اتیوپی شده است.

ریشه‌های جنگ داخلی سودان

سودان نیز از دیرباز در گیر جنگ داخلی بوده که اخیراً تشدید شده است. طی این جنگ بین ۵۰۰ هزار تا ۱/۵ میلیون نفر جان خود را از دست داده‌اند. این جنگ ریشه در اختلافات نژادی، قومی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی سودان دارد.

سودان با ۲/۵ میلیون کیلومتر مربع مساحت، بزرگترین کشور قاره آفریقا است. این کشور که از شمال تا جنوب آن ۱۶۰۰ کیلومتر فاصله دارد طیف وسیعی از محیط‌های طبیعی از بیابان گرفته تا جنگل‌های انبوه استوایی، و شیوه‌های زیست گوناگون از زراعت آبی و یکجانشینی تا دامداری کوچنده، و شکار و گردآوری غذا را در بر می‌گیرد.

تقریباً تمام کشور سودان جزو حوضه رود نیل محسوب می‌شود. ولی بین ملکان و جوبا صحرایی باتلاقی به نام ساد وجود دارد. این منطقه بین شمال و جنوب سودان جدایی انداخته و برقراری ارتباط را دشوار ساخته است. به دلیل این وضعیت جغرافیایی، شمال و جنوب سودان، از مناسبات

نمونه بارز این مسئله استقلال لریتره است. اتیوپی حدود ۳۰ سال با استقلال طلبان لریتره مبارزه کرد، اما به دنبال فروپاشی شوروی، با استقلال این کشور موافقت نمود. این مسئله سبب شده است که جنبش‌های جدایی طلب منطقه از این فرایند بهره‌برداری کنند.

همچنین فروپاشی شوروی و تحولات اروپای شرقی موجب تقویت احساسات ناسیونالیستی در برخی از مناطق جهان شده است. این احساسات در آفریقا بسیار قوی است، زیرا قبیله‌گرایی، نژادپرستی و تضادهای منطقه‌ای و مذهبی ریشه‌های عمیقی در جامعه دارد. این موضوع تهدیدی برای وحدت ملی و ثبات کشورهای آفریقایی به‌شمار می‌رود و حتی باعث تشدید جنگ‌های داخلی شده است. این پدیده را در سومالی، اتیوپی و سودان می‌توان دید.

در سومالی در دسامبر ۱۹۹۰ جنگ خونین داخلی آغاز شد. در این تاریخ، «کنگره متحد سومالی» به مگادیشو پایتخت سومالی حمله کرد و این شهر را اشغال نمود. این کنگره پس از سقوط زیاد باره، دولت جدیدی به رهبری علی مهدی محمد، رئیس کنگره تشکیل داد. علی مهدی محمد به‌عنوان رئیس جمهور موقت سومالی به قدرت رسید و نخستین هدف خود را تدوین قانون اساسی جدید بر پایه نظام چند حزبی اعلام کرد. اما دو گروه دیگر یعنی «جنبش ملی سومالی» به رهبری ایساک کلان در شمال (مستعمره سابق انگلستان) و «جنبش میهن پرستان سومالی» مستقر در لوگادن از شناسایی دولت جدید، خودداری کردند. در مه ۱۹۹۱ جنبش ملی سومالی تأسیس دولت «جمهوری سومالی» را در منطقه شمال و به رهبری عبدالرحمان احمد علی اعلام کرد. در سپتامبر ۱۹۹۱ نیز کنگره متحد سومالی دچار دودستگی شد و ژنرال محمد فرح عیدید از پذیرش رهبری علی مهدی محمد، رئیس جمهور موقت سومالی، سر باز زد. بلافاصله جنگ بین دو رقیب آغاز شد و کشور در آستانه تجزیه قرار گرفت. به دنبال این درگیری‌ها تا پایان سال ۱۹۹۲ حدود ۳۰۰ هزار نفر سومیایی کشته و نزدیک به ۴ میلیون نفر گرفتار قحطی شدند.^۲

در سوم دسامبر ۱۹۹۲، شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای نیروهای چندملیتی این سازمان را برای حفاظت از چگونگی توزیع کمک‌های انسان دوستانه به سومالی اعزام کرد. این نیروها در ۹ دسامبر ولرد سومالی شدند. در ۲۷ دسامبر، هر ۱۴ حزب سومالی با میانجیگری پطرس گالی دبیر کل وقت سازمان ملل، قرارداد صلحی امضا کردند. اما این قرارداد به‌رغم حضور نیروهای سازمان ملل متحد نتوانسته است موجب برقراری صلح در سومالی شود.

در اتیوپی «جبهه آزادیبخش مردم لریتره» از سال ۱۹۶۰ برای استقلال لریتره از اتیوپی دست به مبارزه مسلحانه زده بود. گذشته از آن، دو گروه دیگر نیز در اتیوپی با دولت این کشور می‌جنگیدند. این دو گروه یکی «جبهه آزادیبخش مردم اتیوپی» و دیگری «جبهه آزادیبخش مردم تیگره» بود. بعداً این دو گروه با یکدیگر متحد شدند و «نهضت آزادیبخش دموکراتیک مردم اتیوپی» را ایجاد کردند.

در سال ۱۹۹۰ به دنبال شرایط جدیدی که در سیاست‌های شوروی در زمان گورباچف ایجاد شده بود، «جبهه آزادیبخش مردم

فرهنگی جداگانه‌ای برخوردار بوده است. مناسبات شمال بیشتر با خاورمیانه و منطقه مدیترانه، و تماس جنوب با آفریقای سیاه بوده است. بین شمال و جنوب نیز اختلافات نژادی و فرهنگی بسیاری وجود دارد. سودان ۲۰ میلیون نفر جمعیت دارد که به ۵۷۲ قبیله تقسیم می‌شوند. این مردمان به ۲۶ زبان و دهها لهجه سخن می‌گویند. اعراب که بزرگترین گروه را در بر می‌گیرند حدود ۴۰ درصد جمعیت سودان را تشکیل می‌دهند. تفاوت‌های نژادی و زبانی با یک تفاوت مذهبی تکمیل می‌شود: در حالی که شمالی‌ها مسلمانند، جنوبی‌ها عمدتاً مسیحی می‌باشند.

استعمار انگلیس نیز شکاف بین شمال و جنوب سودان را عمیق‌تر کرده است. سودان از ۱۸۹۹ تا ۱۹۵۶ تحت کنترل دولت انگلیس بود. انگلیسی‌ها با شمال و جنوب به صورت واحدهای جداگانه‌ای برخورد می‌کردند. آنها با رسمی کردن زبان انگلیسی، فاصله‌های فرهنگی و اجتماعی را دوچندان ساختند. دولت انگلیس هیچگونه تلاشی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی جنوب به عمل نیاورد، به طوری که در سال ۱۹۵۶ یعنی زمان استقلال ۸۸ درصد تحصیلکردگان آموزش متوسطه از شمال کشور بودند. این مسئله سبب شد که تمامی پست‌های کشور بعد از خروج انگلیسی‌ها در دست عربها قرار گیرد و حیات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشور در انحصار آنان در آید. طبیعتاً تعداد کمی از جنوبی‌ها توانستند در ادارات محلی استخدام شوند.

بعد از استقلال نیز دولت مرکزی همه سرمایه‌گذاری‌ها را در شمال متمرکز کرد و به اختلافات دامن زد. در میانه دهه ۱۹۶۰ سرانه تولید ناخالص شمال ۱۰ برابر جنوب بود. ۳ در آن زمان عملاً هیچ راه شوسه‌ای در جنوب وجود نداشت. جنوبی‌های سیاه بتدریج احساس عدم حضور و فراموش شدگی کردند و از سفیدپوشان شمال منزجر شدند.

در سال ۱۹۵۵ جنوبی‌ها به طور آشکار بر ضد شمال به مبارزه برخاستند و به این ترتیب جنگ داخلی سودان آغاز شد. عملیات جنگی را «جنبش آزادیبخش مردم سودان» به رهبری سرهنگ جان گارانگ آغاز کرد. این جنگ تا سال ۱۹۷۲ ادامه یافت. در این سال، دولت سودان با «جنبش آزادیبخش مردم سودان» موافقتنامه‌ای امضاء کرد و به سه استان جنوبی کشور خودمختاری داد. یک شورای عالی اجرایی نیز در آوریل ۱۹۷۲ در جنوب تشکیل شد. انتخابات مجلس محلی در نوامبر ۱۹۷۳ برگزار گردید.^۴ پایان جنگ داخلی موقعیت دولت مرکزی سودان را تحکیم نمود.

اما در سال ۱۹۸۴ جنگ بین شمال و جنوب از سر گرفته شد. جعفر نمیری رئیس‌جمهور سودان در ۱۹۸۳، جنوب کشور را به منطقه کوچتر تقسیم کرد که هر یک دارای مجلس خاص خود بود. این امر بیانگر سیاست دولت مرکزی در اجرای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» بود. در سپتامبر ۱۹۸۳ نمیری اجرای قوانین اسلامی (قوانین شرع) را در دستور کار خود قرار داد که موجبات خشم

جنوبی‌های غیرمسلمان را فراهم آورد. از اینها گذشته، نابرابری‌های بین شمال و جنوب در حال افزایش بود و حکومت مرکزی برای توسعه جنوب هیچگونه تلاشی به عمل نیاورده بود. این مسائل سبب از سرگیری جنگ داخلی شد.

در ۶ آوریل ۱۹۸۵ در حالی که نمیری در آمریکا به سر می‌برد، عبدالرحمان سوارالذهب با یک کودتای خونین قدرت را در دست گرفت و صادق‌المهدی رهبر حزب امت نخست‌وزیر شد. صادق‌المهدی در ژوئیه ۱۹۸۵ با جان گارانگ در آدیس‌آبابا ملاقات نمود. اما به دنبال سقوط یک هلی‌کوپتر غیرنظامی سودان در جنوب، تماس دو طرف قطع شد. در همین سال، دولت مرکزی در شمال نیز با بحران روبرو شد. در سپتامبر ۱۹۸۵ شورش‌هایی در چند واحد ارتش در شمال روی داد که گفته می‌شد، شورشیان قصد کودتا داشته‌اند.^۵ ناراضیان شمال در «جبهه اسلامی ملی» به رهبری دکتر حسن ترابی گرد آمده بودند. آنها خواستار اسلامی کردن تمام کشور از جمله جنوب بودند.

به هر حال ناآرامی‌ها در شمال و جنوب موجب تضعیف دولت مرکزی شد. جنبش آزادیبخش مردم سودان نیز توانست به پیشروی‌های قابل توجهی دست یابد، به نحوی که برخی از واحدهای آن تا ۳۰۰ کیلومتری خارطوم پیش رفتند. با روی کار آمدن عمرالبشیر رئیس‌جمهور سودان در ۱۹۸۹، مذاکرات بین دو طرف در ۱۹ اوت همین سال در اتیوپی آغاز شد. در این مذاکرات، جنوب مسئله لغو قوانین اسلامی را مطرح کرد که با مخالفت دولت مرکزی روبرو شد و مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت.^۶

به دنبال آن دولت بشیر حملات شدیدی را بر ضد جنوب آغاز کرد و مناطق استراتژیک مهمی را از آنها بازپس گرفت و آنها را به باریکه‌ای در مرز با اوگاندا و کنیا عقب‌راند. این شکست‌های نظامی سبب انشعاب گروهی از «جنبش آزادیبخش مردم سودان» به رهبری ریگامشار شد. در ۱۹۹۳ دولت ۳ استان جنوب کشور را به ۱۰ ایالت تقسیم کرد و با سپردن مسئولیت‌های هر ایالت به سران قبایل، ضربه دیگری بر «جنبش آزادیبخش مردم سودان» وارد کرد.

اما از دسامبر ۱۹۹۵ جنبش آزادیبخش مردم سودان بار دیگر حملات خود را آغاز کرد و توانست برخی مناطق از دست رفته را بازپس گیرد. در اواخر دسامبر ۱۹۹۶ صادق‌المهدی نخست‌وزیر پیشین سودان وارد اسمره شد. وی با رهبران جناح‌های مختلف مخالف دولت سودان ارتباط برقرار کرد و زمینه همکاری میان آنها را فراهم ساخت. به دنبال آن، نیروهای مخالف شمال با «جنبش آزادیبخش مردم سودان» متحد شدند و «ائتلاف دموکراتیک ملی سودان» را تشکیل دادند.

نیروهای نظامی ائتلاف دموکراتیک ملی سودان از ۱۳ ژانویه ۱۹۹۷ عملیات خود را از شرق و جنوب بر دولت مرکزی آغاز کرده و بخش‌هایی از استان نیل آبی از جمله شهرهای کورموک، قیسان، مبان و دره نیل آبی را متصرف شده‌اند و خود را به شهر استراتژیک دمازین

مناقشات میان سودان و اتیوپی

روابط سودان با اتیوپی تا سال ۱۹۹۱ تیره بود. چندین عامل در این مورد مؤثر بود. نخست اختلافات ایدئولوژیک دو کشور بود. امپراتور هایله سلاسی مسیحی با اسرائیل روابط نزدیکی داشت که خوشایند سودان نبود. در سال ۱۹۷۴ منگیستو هایله ماریام، هایله سلاسی را سرنگون و قدرت را در اتیوپی به دست گرفت. وی دارای گرایش‌های سوسیالیستی بود. به همین دلیل روابط بسیار نزدیکی با مسکو و کوبا برقرار کرد. در حالی که دولت جعفر نمیری به غرب تمایل داشت. گرایش‌های این دو کشور به شرق و غرب آنها را از یکدیگر دور می‌کرد. دوّم اینکه دو کشور با یکدیگر اختلافات مرزی و ارضی داشتند. در سال ۱۹۶۵ کمیسیون مشترک برای این منظور تشکیل شد. در سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۹ مذاکرات دو کشور منجر به امضای موافقتنامه‌ای در این مورد شد که نتوانست اختلافات مرزی و ارضی دو کشور را حل کند.

سوم اینکه دو کشور از مخالفان یکدیگر حمایت می‌کردند. دولت اتیوپی از جنبش جنوب سودان حمایت می‌کرد. دولت سودان نیز از مبارزان اریتره پشتیبانی می‌نمود. این حمایت‌ها برای هر دو کشور مشکلاتی اقتصادی به همراه داشت بویژه که هر دو کشور دچار ضعف اقتصادی بودند. از سوی دیگر، حمایت‌های مذکور جنگ داخلی را در سودان و اتیوپی تشدید می‌کرد و موجب به راه افتادن موج آوارگان جدیدی می‌شد و همین، هزینه‌هایی برای دو کشور ایجاد می‌کرد. به همین دلیل دو کشور در سال ۱۹۷۲ موافقتنامه‌ای امضاء کردند که براساس آن سودان متعهد شد کمک‌های خود به استقلال طلبان اریتره را قطع کند. دولت اتیوپی نیز متعهد شد که از جنبش جنوب سودان حمایت نکند.

در سال ۱۹۷۷ دولت اتیوپی حملات شدیدی را بر ضد مبارزان اریتره آغاز کرد. در نتیجه، مبارزان مجبور به فرار به داخل مرزهای سودان شدند. نیروی هوایی اتیوپی در تعقیب آنها، حریم هوایی سودان را شکست. سودان نیز حمایت خود را از مبارزان اریتره از سر گرفت. جنگ در اریتره در سال ۱۹۷۸ نیز ادامه یافت. در سال ۱۹۷۹ با میانجیگری رئیس‌جمهور سیرالئون، رهبران اتیوپی و سودان با یکدیگر ملاقات نمودند. این ملاقات منجر به برقراری روابط دوستانه‌ای میان سودان و اتیوپی شد. به دنبال آن، سودان اعلام کرد که تعداد آوارگان مختلف از جمله آوارگان اریتره در این کشور به ۷۰۰ هزار نفر رسیده و این امر بر مشکلات اقتصادی آن کشور افزوده است. سودان خواهان خروج این آوارگان از خاک خود بود.

در ۱۹۸۰ هایله ماریام اعلام کرد در صورتی که سودان دفاتر مبارزان اریتره را در خاک خود تعطیل و از ورود آنها جلوگیری نماید حاضر است به سودان مسافرت کند و با مقامات اریتره مذاکره نماید. به دنبال اظهارات

رسانیده‌اند. تأسیسات هیدرولیک این شهر برق خارطوم پایتخت سودان و برخی دیگر از مناطق کشور را تأمین می‌کند. شهرهای کورموک و قیسان در مناطق مرزی با اریتره و اتیوپی قرار دارند. اما شهر مبان با مرز فاصله زیادی دارد و تقریباً از نقاط مرکزی سودان به‌شمار می‌رود.

سودان دولت‌های اریتره، اتیوپی و اوگاندا را متهم کرده است که نیروهای نظامی آنها در این تعرض دخالت مستقیم دارند. از این گذشته، سودان، مصر، اسرائیل، آمریکا و سازمان ملل را نیز به حمایت از تعرض مخالفان دولت متهم ساخته است. دولت‌های اریتره، اتیوپی و اوگاندا اعلام کرده‌اند که نیروهای نظامی آنها در این تعرض دخالت ندارند. اما در عین حال، حمایت خود را از مخالفان دولت سودان آشکارا اعلام کرده‌اند. مخالفان دولت سودان نیز اظهار کرده‌اند که ایران از دولت سودان حمایت می‌کند. به این ترتیب کشورهای مختلفی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در بحران سودان دخالت دارند. به عبارت دیگر بحران سودان دارای ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

سودان با ۱۰ کشور مرز مشترک دارد و همین سبب آسیب‌پذیری آن شده است. سودان از شمال با مصر، لیبی، از غرب با چاد و آفریقای مرکزی، از جنوب با زئیر و اوگاندا و کنیا، از شرق با اریتره و اتیوپی و دریای سرخ هم‌مرز است. سودان ۶۰۰ کیلومتر ساحل در کناره دریای سرخ دارد که آن را مستقیماً با عربستان سعودی مرتبط می‌کند.

سودان با اکثر همسایگان خود اختلاف دارد و همین سبب شده است که آنها از مخالفان دولت سودان حمایت کنند. ریشه اختلافات سودان با همسایگانش به دو عامل بازمی‌گردد: یکی سیاست‌های بنیادگرایی اسلامی سودان، و دیگری روابط نزدیک آن با ایران. این مسائل موجب نگرانی همسایگان سودان شده است. به دنبال برگزاری سومین نشست کنفرانس مردمی عربی و اسلامی به دبیر کلی حسن ترابی در مارس ۱۹۹۵ در خارطوم، تبلیغات شدیدی توسط کشورهای همسایه صورت گرفت. از جمله گفته شد سودان به‌مرکز برای آموزش نظامی و تأمین تدارکات تمام گروه‌های مبارز اسلامی در سرتاسر خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل شده است. همچنین ادعا شد که سودان سودای ایجاد رشته‌ای از کشورهای اسلامی بنیادگرا از جنوب اتیوپی تا اقیانوس هند را در سر می‌پروراند. این مسئله مانع نزدیک شدن کشورهای همسایه به سودان گردیده است.

ترور ناموفق حسنی مبارک رئیس‌جمهوری مصر در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۵ در آدیس‌آبابا پایتخت اتیوپی نیز با مخالفت کشورهای همسایه سودان روبرو شد. وی برای شرکت در کنفرانس سران سازمان وحدت آفریقا به اتیوپی سفر کرده بود که در راه فرودگاه به پایتخت مورد سوء قصد قرار گرفت. بعداً گفته شد که سوء قصدکنندگان به سودان گریخته‌اند. سودان با وجود درخواست‌های مکرر اتیوپی، از تحویل سوء قصدکنندگان به این دولت، به این دلیل که می‌گوید آنها در سودان نیستند، خودداری کرده است.

مذکور جعفر نمیری حمایت خود را از استقلال طلبان اریتره کم کرد و در نوامبر ۱۹۸۰ وارد آدیس آبابا پایتخت اتیوپی شد. در پایان مذاکرات شش روزه، رهبران دو کشور در بیانیه مشترکی اعلام کردند که به هیچگونه اعمال «خرابکارانه» ای بر ضد یکدیگر متوسل نخواهند شد. در ۱۹۸۱ رهبر اتیوپی از خارطوم دیدار کرد. مذاکرات وی با رهبر سودان موجب بسته شدن مرزهای دو کشور شد. در نتیجه، رفت و آمد مبارزان و انتقال اسلحه برای آنها متوقف گردید. در ژوئیه همان سال نیز تمام دفاتر مبارزان اریتره در شهرهای مختلف سودان بسته شد. نیروهای نظامی دو کشور نیز در مرزها مستقر شدند و از ارسال هرگونه تدارکات نظامی از سودان به اریتره، جلوگیری گردید.

با این حال، جنگ در اریتره و جنوب سودان ادامه یافت. سوارالذهب تصمیم گرفت که مبارزان جنوب را در هم کوید. برای این منظور صادق المهدی نخست‌وزیر سودان با هیله ماریام رهبر اتیوپی در ۱۹۸۶ ملاقات کرد. به دنبال این دیدار دو کشور بار دیگر موافقت کردند که حمایت خود را از مخالفان یکدیگر قطع کنند.

در سال ۱۹۹۱ ملس زناوی، هیله ماریام را سرنگون و قدرت را در اتیوپی در دست گرفت. وی با استقلال اریتره موافقت نمود و به این ترتیب مشکل عمده‌ای که باعث تیرگی روابط دو کشور شده بود از میان رفت. به دنبال آن روابط دو کشور بهبود یافت و در اکتبر ۱۹۹۱ ملس زناوی رئیس‌جمهور اتیوپی و عمر البشیر رئیس‌جمهور سودان یک موافقتنامه دوستی و همکاری امضاء کردند.^۷

در پی آن اعلام شد که ارتش اتیوپی به ارتش سودان کمک کرده است تا شهر یوچالا را که در تصرف جنبش آزادیبخش مردم سودان بود در ۱۹۹۲ بازپس گیرد.^۸ این مسئله موجب شد تا یک مقام ارشد جنبش آزادیبخش مردم سودان به اتیوپی سفر کند. در این ملاقات، مقامات اتیوپی قول دادند که اجازه ندهند ارتش سودان از طریق خاک اتیوپی به جنوب حمله کند. با این حال ملس زناوی رئیس‌جمهور اتیوپی روز بعد از مذاکرات یعنی در ۲ ژوئیه ۱۹۹۲ از خارطوم دیدار کرد و به دنبال آن روابط دو کشور روز به روز گسترش یافت.

در اوایل ژوئیه ۱۹۹۳ اعلام شد که سودان و اتیوپی یک پروتکل همکاری در مسائل امنیتی، دفاعی و اقتصادی امضاء کرده‌اند. به موجب این پروتکل، دو کشور متعهد شدند که از مخالفان یکدیگر حمایت نکنند. اتیوپی بر اساس این پروتکل به حمایت خود از جنبش آزادیبخش مردم سودان به طور رسمی خاتمه داد. هیله ماریام به نیروهای این جنبش اجازه داده بود که از خاک اتیوپی برای حمله به ارتش سودان استفاده کنند. سودان نیز به جبهه آزادیبخش مردم اریتره اجازه داده بود که از پایگاه‌های خود در سودان به اتیوپی حمله برد.^۹ اما از ژانویه ۱۹۹۴ روابط دو کشور بار دیگر تیره شد، زیرا وزیر امور خارجه اتیوپی «جبهه اسلامی ملی سودان» به رهبری حسن ترابی را به حمایت از افراطیون اسلامی اریتره متهم کرد.^{۱۰} ترور ناموفق

حسنى مبارك رئيس جمهور مصر در اتیوپی نیز مزید بر علت شد. دولت اتیوپی سودان را متهم به حمایت از «تروریست‌ها» کرد و اعلام نمود که ۳ نفر از طراحان و عاملان این ترور به خاک سودان پناهنده شده‌اند. اتیوپی خواستار دستگیری و استرداد این افراد شد، اما خارطوم از این کار خودداری نمود.

به دنبال آن، دولت اتیوپی تعداد اعضای سفارت خود را در خارطوم به حداقل کاهش داد و پرواز هواپیماهای سودانی به مقصد آدیس آبابا را لغو و تعدادی از سودانی‌های مقیم اتیوپی را اخراج کرد. گذشته از این، دولت اتیوپی در این مورد از سودان به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت نمود و خواستار رسیدگی شورا به این مسئله شد.

در همین حال، سودان تدابیر امنیتی و نظامی شدیدی را در مرزهای خود با اتیوپی و اریتره به‌مورد اجرا گذاشت. این کشور بر تعداد نیروهای نظامی خود در مرز با این دو کشور افزود و هفت پست مراقبت و بازرسی جدید در مرزهای خود با اتیوپی ایجاد کرد. پس از آن، برخوردهای مرزی بین دو کشور رو به افزایش نهاد. در ژانویه ۱۹۹۶ دولت سودان طی بیانیه‌ای اعلام کرد که نیروهای اتیوپی به خاک سودان حمله و پست مرزی «طایع» را اشغال کرده‌اند. در این بیانیه اضافه شده بود که نیروهای اتیوپی همچنین بین روزهای ۲۸ دسامبر و اول ژانویه به پست‌های حماریا و الاو حمله کرده‌اند.^{۱۱} این نخستین بار بود که خبرهای مربوط به وقوع درگیری بین دو کشور به طور رسمی تأیید می‌شد. دولت سودان به دنبال برخوردهای مذکور خواستار تشکیل جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بررسی «تجاوزات مسلحانه اتیوپی» به خاک خود شد. سودان همچنین برای مقابله با هرگونه برخورد نظامی بسیج عمومی اعلام کرد.

با آغاز حملات ائتلاف دموکراتیک ملی سودان از ۱۳ ژانویه ۱۹۹۷ دولت سودان اتیوپی را متهم کرد که به شهرهای مرزی این کشور حمله برده است. در این راستا، سودان شکایتی از اتیوپی تسلیم شورای امنیت سازمان ملل متحد نمود. در مقابل، وزیر امور خارجه اتیوپی گفت که کشورش در جریان نظامی جاری در سودان، نقشی ندارد اما در صورت لزوم آماده استفاده از حق «دفاع از خود» می‌باشد. وی همچنین در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتهام‌های مطرح شده از سوی سودان را رد کرد.

مناقشات میان سودان و اریتره

به طوری که گفته شد سودان در طول جنگ‌های استقلال اریتره، از «جبهه آزادیبخش مردم اریتره» به رهبری ایسایاس افورکی (Afwerki) حمایت می‌کرد. رزمندگان اریتره از سودان به عنوان پایگاه استفاده می‌کردند. همچنین از سودان جاده‌های تدارکاتی به مناطق تحت کنترل مبارزان احداث شده بود. اریتره در یک همه‌پرسی که در آوریل ۱۹۹۳ از سوی سازمان ملل متحد به عمل آمد، به استقلال دست یافت. سودان

بازگشت پناهندگان دو کشور امضاء کردند. به موجب این موافقتنامه قرار شد دو کشور از مخالفان یکدیگر حمایت نکنند و مرزهای خود را به روی آنها ببندند. اما در نوامبر همین سال دوباره روابط بین دو کشور تیره شد. دولت اریتره سودان را متهم کرد که ۴۰۰ نفر از «تروریست‌های» اریتره‌ای را آموزش داده است. در مقابل، سودان نیز اعلام نمود که اریتره ۳ هزار نفر از «شورشیان» سودانی را در اردوگاه‌های خود آموزش می‌دهد.^{۱۷}

در دسامبر ۱۹۹۴ اریتره به دلیل رفتار خصومت آمیز سودان، مناسبات دیپلماتیک خود را با این کشور قطع کرد. علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور یمن میان دو کشور میانجیگری نمود و مذاکراتی بین دو طرف در یمن انجام شد که به نتیجه‌ای نرسید. به دنبال آن، در دسامبر ۱۹۹۴ میان ارتش‌های سودان و اریتره در مرز دو کشور درگیری‌هایی با سلاح سنگین روی داد. خارطوم مسئولیت این حوادث را متوجه اریتره دانست و رژیم افور کی را آغازگر «تجاوز» قلمداد کرد زیرا نیروهای اریتره در منطقه مرزی «دره جاش» به سوی مأموران و مردم یکی از نقاط مرزی شلیک کرده بودند. دولت سودان همچنین اریتره را متهم کرد که تعدادی را به سودان فرستاده است تا چند نفر از شخصیت‌های سودانی و اریتره‌ای را که اسمره معتقد است حامی مخالفان مسلح اسلامی در اریتره هستند ترور کنند. دولت اریتره «جبهه ملی اسلامی» سودان به رهبری حسن ترابی را مسئول قدرت یافتن «جنبش جهاد اسلامی» می‌داند که از خاک سودان به اریتره حمله می‌کند.^{۱۸}

بحران بین دو کشور در سال ۱۹۹۵ ادامه یافت. در اوایل این سال حملاتی از سوی کوماندهوهای شاخه نظامی جهاد اسلامی اریتره که از سودان وارد این کشور شده بودند، صورت گرفت. در ژانویه ۱۹۹۵ دولت سودان اعلام کرد که نیروهای ارتش اریتره از مرز میان دو کشور عبور و به خاک سودان تجاوز کرده‌اند و درگیری‌هایی میان نیروهای دو طرف به وقوع پیوسته است. این درگیری‌ها در مرز بین دو کشور در نزدیکی شهر کسلا، در جنوب شرقی خارطوم روی داد. رئیس کمیته دفاع و امنیت پارلمان سودان مقارن شدن تحرکات اریتره با حملات اتیوپی به سودان را حاکی از وجود توطئه‌ای به زیان سودان دانست.

علی عثمان محمد طه وزیر امور خارجه سودان نیز اعلام کرد اطلاعات موجود بیانگر آن است که میان اریتره و اوگاندا در سطح وسیعی هماهنگی وجود دارد و رئیس‌جمهور اوگاندا قبل از سفر به قاهره از اسمره دیدار کرده است. وی افزود ما مدارک مصوری در اختیار داریم که نشان می‌دهد عناصر نظامی اریتره به آموزش نیروهای جان‌گارانگ، در داخل اراضی سودان مبادرت کرده‌اند. وی افزود این عکس‌ها به عنوان سند برای مجلس زناوی رئیس دوره‌ای سازمان وحدت آفریقا نیز ارسال شده و نوار خاصی نیز در این مورد تسلیم وی گردیده است.^{۱۹}

به دنبال آن، رئیس‌جمهوری اریتره اعلام کرد که از تمامی گروه‌هایی که برای سرنگونی عمر بشیر در سودان فعالیت کنند، حمایت خواهد

یکی از نخستین کشورهای بود که استقلال اریتره را به رسمیت شناخت. عمر بشیر رئیس‌جمهور سودان در جشن‌های استقلال اریتره شرکت کرد و آمادگی کشورش را برای هر گونه همکاری اعلام نمود. به دنبال آن افور کی رئیس‌جمهور اریتره در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ از سودان دیدار کرد. وی در این سفر سفارت اریتره را در خارطوم افتتاح کرد و در مورد گسترش روابط دو کشور با رئیس‌جمهور سودان مذاکره نمود. به دنبال این دیدار، اعلام شد که سودانی‌ها برای سفر به اریتره احتیاج به ویزا ندارند.^{۱۲}

با این حال، دو کشور با یکدیگر اختلافات ایدئولوژیکی داشتند. «جبهه آزادیبخش مردم اریتره» گرایش‌های سوسیالیستی دارد. همچنین افور کی دارای روابط نزدیکی با اسرائیل است. این در حالی است که دولت سودان دارای تمایلات بنیادگرایی اسلامی است. در مورد اختلافات ایدئولوژیکی سودان و اریتره، افور کی در اوت ۱۹۹۲ گفت: «هیچ کشوری حق ندارد خط فکری و ایدئولوژیکی خود را بر کشور دیگری تحمیل کند. نظام کنونی سودان، مسئله‌ای است مربوط به خود آن کشور و سودان نباید در صدد صدور افکار خود به کشور دیگری باشد.»^{۱۳}

آشکار بود که روابط گرم و حسنه دو کشور با مشکل روبرو شده است. ماه عسل دو کشور فقط ۶ ماه به طول انجامید و در دسامبر ۱۹۹۳ به دنبال حملات تبلیغاتی شدید بر ضد یکدیگر تیره گردید. رئیس‌جمهور اریتره ادعا کرد عناصر مسلح مخالف این کشور در سودان پایگاه دارند. وی افزود که در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۳ بیش از ۳۰ نفر مبارز اسلام‌گرا وابسته به جهاد اریتره از مرز سودان وارد این کشور شده و در درگیری نظامی که بین این عده و مأموران مرزی اریتره روی داده است یک مأمور اریتره و ۲۰ اسلام‌گرا کشته شده‌اند.^{۱۴} وی ضمن متهم ساختن جبهه اسلامی حاکم در سودان به حمایت از جنبش اسلامی اریتره گفت مقامات اریتره و سودان دو سال برای حل این مسئله وقت صرف کردند ولی پاسخ خارطوم چیزی جز یک رشته ژست‌های تو خالی نبوده است.^{۱۵} وی افزود که از حسنی مبارک رئیس‌جمهوری مصر خواستار میانجیگری شده است.

وزیر خارجه سودان ادعاهای مذکور را تکذیب کرد و پیشنهاد اریتره در مورد مراقبت متقابل دو کشور بر مناطق مرزی را رد نمود. وی اعلام کرد که بیش از ۴۰۰ هزار پناهنده اریتره‌ای در سودان به سر می‌برند که موجب در دسر دو کشور شده‌اند. وزیر خارجه سودان افزود که ۷۵ درصد نیازهای این پناهندگان را دولت سودان تأمین می‌کند و کمک‌های بین‌المللی بسیار ناچیز است و این امر بر اقتصاد سودان تأثیر نامطلوب دارد. وی گفت سودان از استقلال اریتره همواره حمایت کرده است و از نخستین کشورهای بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخته است.^{۱۶}

در اوت ۱۹۹۴ اریتره و سودان موافقتنامه‌ای در مورد امنیت مرزها و

کرد. وی گفت کمک‌های نظامی، اسلحه و تجهیزات در اختیار گروه‌های مخالف دولت سودان قرار خواهد داد.^{۲۰} اسمره پایتخت اریتره پایگاه «اتحاد دموکراتیک ملی» سودان، اصلی‌ترین گروه مخالف سودانی است. خارطوم این گروه را به مین‌گذاری، حمله به کشاورزان، قاچاق در مرز سودان و اریتره، و کشتن مأموران مرزی سودان متهم کرده است.

در ژوئیه ۱۹۹۶ بار دیگر اوضاع در مرزهای سودان با اریتره بحرانی شد. دولت سودان ادعا کرد که نیروهای این کشور موفق شده‌اند حملات ۱۲۰ سرباز اریتره‌ای را که با خودروهای رزمی تقویت می‌شدند، دفع نمایند. این حمله به پست مرزی «جبل ابوگامون» سودان در نزدیکی مرز این کشور با اریتره صورت گرفته بود. با این حال به نظر می‌رسد که این حمله به وسیله نیروهای مخالف سودانی مستقر در اریتره صورت گرفته و نیروهای اریتره در آن دخالت نداشته‌اند.

از آن به بعد نیز مرزهای بین دو کشور بارها شاهد حوادثی از قبیل درگیری مسلحانه و انفجار مین بوده که تعدادی از شهروندان سودانی را به کام مرگ فرستاده است. نماینده دائم سودان در سازمان ملل متحد در نامه‌ای خطاب به پطروس عالی دبیر کل سازمان ملل در دسامبر ۱۹۹۶ که به عنوان سند شورای امنیت انتشار یافت، به ۲۷ مورد از «تجاوز» ارتش اریتره بر خاک سودان در ۹ ماه پیش از آن اشاره کرده بود. از جمله این تجاوزات، تیراندازی و شلیک توپخانه نیروهای اریتره به سوی خاک سودان، درگیری‌های مرزی مکرر این نیروها با نیروهای سودانی که دستکم در دو مورد منجر به کشته شدن ۹ نفر سودانی شد، عنوان شده بود. مین‌گذاری در خاک سودان و به اسارت گرفتن برخی از اهالی روستاهای مرزی از دیگر موارد اعلام شده است.^{۲۱} نماینده دائم سودان حمایت اریتره از ائتلاف گروه‌های مخالف سودان تحت عنوان «ائتلاف دموکراتیک ملی سودان» را با قوانین و مقررات بین‌المللی اعلام و خواستار کمک دبیر کل برای قطع این تجاوزات شد. اما دولت اریتره دخالت خود را در عملیات مذکور تکذیب کرد و آن را به مخالفان دولت سودان نسبت داد.

به دنبال تشدید تنش میان خارطوم و اسمره، دولت سودان در مرزهای خود با اریتره آماده‌باش نظامی کامل اعلام کرد و این امر را برای مقابله با تحریکات گروه‌های سودانی مخالفی که در اریتره مستقر هستند دانست و هدف از آن را جلوگیری از سقوط شهر کسلا به دست نیروهای مخالف خواند. بیانیه دولت سودان همچنین به طور ضمنی تأییدی بر این مسئله بود که تجاوزات قبلی از سوی گروه‌های مخالف دولت سودان صورت گرفته است.

با ورود صادق‌المهدی به اریتره در دسامبر ۱۹۹۶ بحران در روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی شد. وی بعد از ورود به اریتره خود را نخست‌وزیر قانونی سودان خواند و خواستار سرنگونی حکومت عمر بشیر رئیس‌جمهوری سودان شد. با شروع حملات «ائتلاف دموکراتیک ملی سودان» در ۱۹۹۷ سودان اریتره را نیز مانند اتیوپی به

تجاوز نظامی به خاک خود متهم کرد. اما اریتره در عین حال که منکر کمک سیاسی به ائتلاف مذکور نشد دخالت نیروهای نظامی خود را در این عملیات تکذیب کرد. مدیر بخش خاورمیانه و آفریقای وزارت امور خارجه اریتره در این ارتباط گفت: «ما بارها اعلام کرده‌ایم که رژیم سودان دشمن ملت این کشور و همسایگان آن است و از همین رو ما کمک‌های سیاسی خود را از احزاب مخالف دولت سودان دریغ نمی‌کنیم.»^{۲۲} اریتره و اتیوپی با آنکه اجازه داده‌اند ائتلاف دموکراتیک ملی سودان از خاک آنها استفاده کند، اما اعطای هر گونه کمک نظامی و مالی به آن را تکذیب کرده‌اند.

مناقشات میان سودان و اوگاندا

روابط سودان و اوگاندا نیز در سال‌های گذشته تیره بوده است. اوگاندا مدعی است که سودان از شورشیان شمال این کشور حمایت می‌کند. در مقابل، سودان نیز ادعا می‌کند که نیروهای جنوب این کشور از حمایت اوگاندا برخوردارند. به گفته دولت سودان، اوگاندا به جنبش جان گارانگ اجازه داده است تا در خاک آن کشور به ایجاد اردوگاه‌های نظامی اقدام کند و نیروهای خود را آموزش دهد. همچنین از خاک اوگاندا اسلحه برای نیروهای گارانگ ارسال می‌شود. از اینها گذشته، جنبش گارانگ در شهرهای اصلی اوگاندا دارای دفتر است.

یوری موسه‌وینی رئیس‌جمهور اوگاندا در نامه‌ای که در سال ۱۹۹۲ برای سرهنگ معمر قذافی رهبر لیبی ارسال کرد ریشه جنبش گارانگ را در سیاست‌های نژادپرستانه دولت سودان دانست. وی تبعیض نژادی در سودان را بسیار شدیدتر از تبعیض نژادی میان سفیدها و آفریقایی‌ها در جنوب آفریقا خواند. موسوینی در این نامه اضافه کرده بود که عناصر عربی که قدرت را در سودان در دست دارند، به آزار و اذیت آفریقایی‌ها می‌پردازند.^{۲۳}

در سال ۱۹۹۲ لیبی میان دو کشور به میانجیگری پرداخت. به دنبال آن، اعلامیه‌ای در طرابلس منتشر شد که به موجب آن طرفین موافقت کردند کمیسیون مشترکی برای تعیین مرزها و حل و فصل مسایل دیگر مربوط به روابط دو کشور تشکیل شود. اما این کمیسیون هرگز شکل نگرفت.

در همین سال حدود ۸۰ هزار سودانی به اوگاندا پناهنده شدند. در اوت ۱۹۹۳ نیز ۵۰ هزار نفر پناهنده دیگر وارد سودان شدند.^{۲۴} در این زمان جنگ بین دولت مرکزی و «جنبش آزادیبخش مردم سودان» شدت گرفته بود. همچنین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نیروهای ارتش سودان در تعقیب چریک‌های جنوب، بارها مرزهای بین‌المللی اوگاندا را نقض کردند. در اکتبر ۱۹۹۱، مه ۱۹۹۲، دسامبر ۱۹۹۳ و ژانویه ۱۹۹۵ دولت اوگاندا سودان را متهم کرد که هوایماهایش شمال اوگاندا را بمباران کرده‌اند.^{۲۵}

در سال ۱۹۹۴ دو کشور یکدیگر را متهم به حمایت از چریک‌های

نیروهای اوگاندا در شمال این کشور را هدف بمباران قرار داده‌اند.^{۲۱} وزیر مشاور در امور خارجی سودان گفت نیروهای ارتش جنوب در حال تدارك حمله نظامی بر نیروهای دولتی بودند که هوایماهای سودانی پایگاه‌های آنان در عمق ۸ مایلی داخل خاک سودان را مورد حمله قرار دادند. وی افزود در صورتی که اثبات شود هوایماهای سودانی به اشتباه خاک اوگاندا را مورد تعرض قرار داده‌اند، کشورش از دولت اوگاندا عذرخواهی خواهد کرد.^{۲۲}

به‌دنبال بحرانی شدن روابط دو کشور، ایران به میانجیگری پرداخت. در اثر تلاش‌های ایران اجلاس کارشناسان دو کشور در اکتبر ۱۹۹۶ در تهران تشکیل و یک موافقتنامه صلح میان سودان و اوگاندا به امضاء رسید.^{۲۳} در این مذاکرات مشاور رئیس جمهوری مالاوی هم که کشورش میانجی پیشین صلح میان دو کشور بود حضور داشت. این موافقتنامه صلح در سفر رئیس جمهور وقت ایران به آفریقا به امضای وزرای امور خارجه دو کشور رسید.

یک ماه پس از آن یعنی در اوائل نوامبر ۱۹۹۶ با حضور وزرای امور خارجه چهار کشور سودان، اوگاندا، مالاوی و ایران در تهران سند صلحی میان دو کشور امضاء گردید. در این سند با اشاره به روند اقدام‌های انجام شده از زمان انعقاد موافقتنامه خارطوم که در پی اظهار تمایل مقام‌های دو کشور سودان و اوگاندا، و در جریان سفر رئیس جمهور ایران به امضاء رسید، دیدار وزیران امور خارجه سه کشور در حاشیه پنجاه و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک مورد اشاره قرار گرفته است. در این سند همچنین با اشاره به اجلاس کارشناسان چهار کشور در تهران در اوایل اکتبر ۱۹۹۶ و امضای پیش نویس موافقتنامه صلح، شرح وظایف گروه تحقیق و اقدام‌های انجام شده توسط طرفین برای اجرای موافقتنامه خارطوم تشریح و اعلام گردیده که در این اقدام‌ها، نشانه‌های مثبتی برای تحقق اهداف موافقتنامه مزبور مشاهده شده است.

براساس این سند، وزیران چهار کشور توافق کردند که در راستای اجرای ماده ۱۱ موافقتنامه خارطوم برای ارزیابی آخرین پیشرفت‌های حاصله در جهت اجرای این توافقنامه و همچنین اتخاذ تصمیم پیرامون برداشتن گام‌های بعدی در دسامبر ۱۹۹۶ در اوگاندا تشکیل جلسه دهند. در پایان این سند از تلاش‌های میانجیگرانه ایران قدردانی شده است.

کمتر از یک ماه بعد، اعلام شد که اوگاندا به ارتش جنوب سودان کمک‌های نظامی اعطاء کرده است. وزیر امور خارجه اوگاندا بارد هرگونه کمک نظامی به «ارتش آزادیبخش مردم سودان» بر حمایت معنوی از این ارتش تأکید کرد. وی گفت اوگاندا با سیاست‌های جبهه قومی اسلامی سودان که برای ترویج فرهنگ عربی دین اسلام در جنوب سودان تلاش می‌کند، بشدت مخالف است. وی هشدار داد اگر این سیاست دولت خارطوم ادامه یابد، اوگاندا هدف بعدی خواهد بود. وی حمایت اخلاقی

مخالف دولت کردند. به‌دنبال آن روابط دو طرف تیره شد. در آوریل همین سال اوگاندا اعلام کرد که مقادیر زیادی اسلحه و مهمات در ساختمان کنسولگری سودان در کامپالا کشف کرده است. در نتیجه، اوگاندا دیپلمات‌های سودان را از خاک خود اخراج نمود. سودان نیز مقابله به مثل کرد. به این ترتیب روابط دیپلماتیک دو کشور قطع شد.

این بار مالاوی برای بهبود روابط دو کشور به میانجیگری دست زد. رئیس جمهور مالاوی ابتدا به اوگاندا و سپس به سودان مسافرت کرد و با رهبران دو کشور ملاقات نمود. در این مذاکرات، دو طرف موافقت کردند تا کنفرانس سه‌جانبه‌ای در مالاوی به ریاست رئیس جمهور این کشور تشکیل شود. طرفین همچنین توافق کردند کمیسیون برای انجام اقدامات لازم جهت نظارت بر مرزها تشکیل دهند. قرار شد این کمیسیون در مورد اتهامات دو کشور نیز به تحقیق و بررسی بپردازد.^{۲۴}

اما با پیشروی نیروهای گارانگ در مناطق جنوبی سودان، دوباره روابط دو کشور تیره شد. نیروهای گارانگ در تابستان ۱۹۹۵ با استفاده از قطع بارتندگی حمله جدیدی را آغاز کردند. آنها شهر توریت را که در سال ۱۹۹۱ از دست داده بودند، محاصره کردند و تا ۳۵ کیلومتری شهر جوبا پیشروی نمودند. دولت سودان ادعا کرد که نیروهای جنوب با کمک ارتش چهارم اوگاندا موفق به پیشروی‌های مذکور شده‌اند.^{۲۵} اما دولت اوگاندا دخالت نیروهای نظامی خود را در این مورد تکذیب کرد. عمر البشیر رئیس جمهوری سودان از این فراتر رفت و گفت اوگاندا، اریتره و مصر برای سرنگونی حکومت سودان محور واحدی تشکیل داده‌اند. وی افزود اریتره با تهیه تانک، سلاح‌های سنگین و تدارك کمک‌های فنی، و هوایماهای نظامی مصر با حمل این تجهیزات، در حمله اوگاندا به جنوب این کشور شرکت داشته‌اند.^{۲۶}

وزیر مشاور در امور خارجی سودان نیز گفت نیروی هوایی مصر، تانک‌هایی را که در حمله به نیروهای دولتی در جنوب سودان مورد استفاده قرار گرفته به اوگاندا منتقل کرده است.^{۲۷} به ادعای سودان، اوگاندا پل ارتباطی کمک‌های غرب و اسرائیل به ارتش جنوب است.

در ژوئیه ۱۹۹۶ طی حمله‌ای که به اردوگاه آوارگان سودانی در شمال اوگاندا صورت گرفت، ۱۱۵ نفر از آنها کشته شدند. وزیر دفاع اوگاندا دولت سودان را متهم به هبیری این حمله کرد و گفت این حمله توسط حدود ۶۰۰ نفر از «شورشیان» ارتش مقاومت مسیح که از خاک سودان وارد اوگاندا شده‌اند، صورت گرفته است. رئیس جمهوری اوگاندا نیز دولت سودان را به حمایت از شورشیان بنیادگرای مسیحی ارتش مقاومت مسیح متهم کرد و ضمن رد پیشنهاد گفتگو با چریک‌ها، گفت راهی جز کشتن آنها وجود ندارد.^{۲۸} به‌دنبال آن، اوضاع در مرزهای اوگاندا و سودان بحرانی شد. رئیس جمهوری سودان اعلام کرد که نیروهای نظامی این کشور در منطقه مرزی با سودان به حال آماده‌باش درآمده‌اند و خطر وقوع جنگ در این منطقه مرزی اجتناب‌ناپذیر است. در سپتامبر ۱۹۹۶ اعلام شد که هوایماهای سودانی مواضع

چراگاه‌ها بیشتر مورد استفاده قبایل سودانی بود.

کنیا به دلیل داشتن کنترل انحصاری بر منابع آب این منطقه سعی کرده است قبایل غیر کنیایی را از منطقه بیرون کند. در سال‌های اخیر نایروبی به شکل مؤثری توانسته است ایلمی را به صورت مستعمره خود در آورد. کنیا در این مورد از هرج و مرج در جنوب سودان و اختلاف بین سودان و اتیوپی استفاده کرده است. در این منطقه دو قبیله متحد به سر می‌برند که تجارت اسلحه بین سودان و جنوب اتیوپی را در دست دارند. کنیا تلاش کرده است اتحاد این دو قبیله را از بین ببرد. البته در ده سال گذشته از رونق این مرکز فروش اسلحه کاسته شده است که علت این امر به عنوان یک نیروی مستقل عمل می‌کنند. گفته می‌شود که این قبایل، مخالف جنبش جدایی طلب جنوب سودان هستند و از پادگان سودان در مالاکال اسلحه دریافت می‌کنند.^{۳۹}

کنیا همچنین اجازه داده است که از بنادر و خاک آن برای جنبش جنوب سودان اسلحه حمل شود. در ماه مه ۱۹۹۲ دو کشتی حامل اسلحه و تجهیزات نظامی که از بندر سعودی ینبع در دریای سرخ بارگیری شده بودند در بندر مومباسای کنیا محموله خود را تخلیه کردند. نیروهای نظامی کنیا در دریا از این دو کشتی محافظت می‌کردند.^{۴۰} این سلاح‌ها سپس از طریق کنیا به جنوب سودان ارسال شد.

یادداشت‌ها

۱. اصغر جعفری ولدانی، تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۴) ص ۷۹.
۲. جوجون گوی «تغییرات سیاسی در آفریقا»، ترجمه محسن پاک‌آیین، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۷۳) صص ۴-۵۳.
۳. آلاسدر درایسدل و جرالداچ بلیک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر (مهاجرانی) (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹) صص ۹۲-۲۹۰.
4. Europa World Yearbook, vol.2, 1990 p.2378.
5. Ibid. p. 2380.
۶. داود کریملو، اریتره (تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳) ص ۲۲.
7. Europa World Yearbook, vol. 1995, p. 1126.
8. Elu, Country Report Sudan, no. 3, 1992, p. 18.
9. Elu, Country Report Sudan, no. 3, 1993, p.13.
10. Europa World Yearbook, vol 1; 1995, p. 1126.
۱۱. اطلاعات، ۲۴ دیماه ۱۳۷۴.
12. Elu, Country Report Sudan, no. 30, 1993, p.13.
۱۳. کریملو، پیشین، ص ۱۷۷.
14. Elu, Country Report Ethiopia, Eritrea, Somalia, Djibouti, 1st quarterly, 1994, p.23.
15. Elu, Country Report Sudan, no. 1, 1994, pp.12-13.
16. Elu, Country Report Ethiopia, Eritrea, Somalia,

اوگاندا را از ارتش آزادیبخش مردم سودان مانند حمایت آن از کنگره ملی آفریقا در زمان مبارزه با آپارتاید (ژادپرستی) در آفریقای جنوبی دانست.^{۳۴} همچنین دولت اوگاندا در ژانویه ۱۹۹۷ سودان را متهم کرد که در امور داخلی این کشور دخالت می‌کند و به مخالفان آن کمک می‌نماید. با آغاز حملات ائتلاف دموکراتیک سودان در ۱۹۹۷ دولت سودان، اوگاندا را نیز متهم نموده است که در مناقشات داخلی سودان دخالت دارد و هدف آن بی‌ثبات کردن سودان است. وزیر امور خارجه سودان در این مورد گفت اتحادی بین اریتره، اتیوپی و اوگاندا برای بی‌ثبات کردن سودان وجود دارد و اوگاندا سومین شریک آنهاست.^{۳۵}

در این مورد موسه‌وینی رئیس‌جمهور اوگاندا گفت «به نظر می‌رسد سودان در صدد حل مشکلات داخلی خود در میدان نبرد است و تلاش‌های اوگاندا برای حل بحران به جایی نرسیده است. ما از اینکه سودان از شورشیان اوگاندا حمایت می‌کند، خشمگین هستیم». وی میدان‌های نبرد را تنها مکان برای حل اختلاف‌های کشورش با سودان دانست.^{۳۶} با این حال او افزود در صورت برگزاری یک کنفرانس صلح، ما سعی خواهیم کرد از اندیشه‌مان استفاده کنیم.^{۳۷}

مناقشات میان سودان و کنیا

سودان با کنیا هم اختلاف‌های مرزی و ارضی دارد. اختلاف دو کشور بر سر منطقه سه گوش ایلمی (Ilemi) است. اتیوپی نیز نسبت به این منطقه ادعای ارضی دارد. به این ترتیب ایلمی مورد ادعای هر سه کشور است. کنیا از سال ۱۹۴۲ مسئولیت حفظ امنیت این منطقه را بر عهده دارد و برای اداره آن یک پاسگاه نظامی در کیبیش (Kibish) دایر کرده است. قبایل این منطقه از راه دامداری زندگی می‌کنند و حق عبور از مرزهای این منطقه مثلث شکل را دارند. همین مسئله گهگاه موجب بروز درگیری بین سه کشور می‌شود. در ژوئیه ۱۹۸۸ نیروهای نظامی کنیا اردوگاهی را در خاک اتیوپی بمباران کردند. در دسامبر ۱۹۹۱ نیز در پی ممانعت از چرای احشام قبایل این منطقه بر خوردهایی بین نیروهای دو کشور روی داد.^{۳۸}

در سال ۱۹۹۲ مسئله ایلمی موجب بروز تنش میان کنیا و سودان شد. کنیا در این سال دست به اجرای طرح‌هایی در این منطقه زد که ایلمی را به طور رسمی ضمیمه خاک این کشور می‌ساخت. از جمله شهر کوچکی در کیبیش ساخته است که در ارضی متعلق به سودان قرار دارد. خانه‌هایی نیز برای نیروهای نظامی کنیا در این منطقه ساخته شده است. کنیا نیروی نظامی خود را در این منطقه از ۴۰۰ نفر به ۱۰۰۰ نفر افزایش داده است. انتظار می‌رود در شهر احداث شده ۳ هزار نفر اسکان داده شوند. البته هر روز بر این تعداد افزوده می‌شود. مدارسی هم در این منطقه احداث شده است. کنیا قبایل شمال را تشویق می‌کند که در اطراف شهر جدید جادر بزنند و از چراگاه‌های آن استفاده کنند. این

۲۷. اطلاعات، ۲۲ آذر ۱۳۷۴.
۲۸. اطلاعات، ۱۴ آذرماه ۱۳۷۴.
۲۹. همان.
۳۰. اطلاعات، ۳۰ تیر ۱۳۷۵.
۳۱. ایران، ۳ مهر ۱۳۷۵.
۳۲. سلام، ۴ مهر ۱۳۷۵.
۳۳. ایران، ۱۴ مهر ۱۳۷۵.
۳۴. سلام، ۱۱ آذر ۱۳۷۵.
۳۵. اطلاعات، ۹ بهمن ۱۳۷۵.
۳۶. اطلاعات، ۱۳ بهمن ۱۳۷۵.
۳۷. سلام، ۱۳ بهمن ۱۳۷۵.

38. Elu, Country Report Sudan, no. 2, 1992, pp.15-16.

39. Ibid.

40. Elu, Country Report Sudan, no.3, 1992, p.16.

Djiboti, 1st quarterly 1994. p.26.

17. Europa World Yearbook, vol. 19, 1995. p.1104.

۱۸. فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۳ (زمستان ۱۳۷۳) ص ۶۹۲.

۱۹. از سخنان وزیر امور خارجه سودان در مصاحبه با روزنامه اطلاعات مورخ ۲۰ دیماه ۱۳۷۴.

۲۰. کیهان، ۳ بهمن ۱۳۷۴.

۲۱. ایران، ۲۲ آذر ۱۳۷۵.

۲۲. اطلاعات، ۲ بهمن ۱۳۷۵.

۲۳. از سخنان علی عثمان محمد طه وزیر امور خارجه سودان. به نقل از اطلاعات، ۲۰ دی ۱۳۷۴.

24. Europa World Yearbook, vol. 2, 1995, p.3083.

25. ibid.

۲۶. «گفتگو با علی عثمان محمد طه وزیر امور خارجه سودان». اطلاعات، ۲۰ دیماه ۱۳۷۴.



راههای گوناگون
توسعه اقتصادی

تألیف ریچارد پرمفرت
ترجمه دکتر احمد مجتهد

راههای گوناگون توسعه اقتصادی

تألیف ریچارد پرمفرت

ترجمه دکتر احمد مجتهد

انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

قیمت ۶۰۰ تومان

دعوت بشر به یگانگی

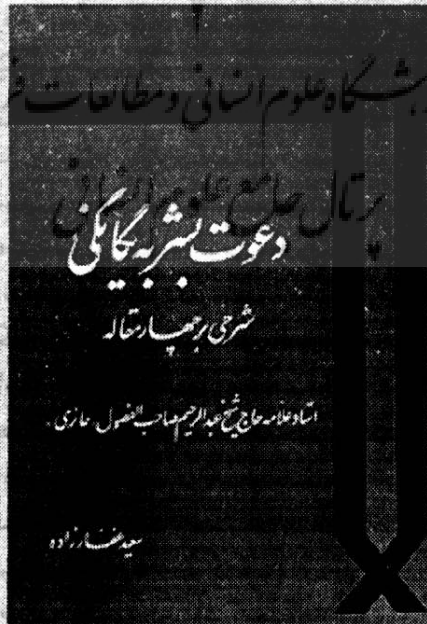
مرحوم علامه حاج شیخ عبدالرحیم

صاحب الفصول (ره)

شرح از سعید غفارزاده

ناشر: سعید غفارزاده

قیمت ۶۰۰ تومان



آسا و ناسر حاج شیخ عبدالرحیم صاحب الفصول مازنی

سعید غفارزاده

سپهر آندیشه

فریدریش نیچه

اراده معطوف به قدرت

ترجمه دکتر محمد باقر هوشیار

اراده معطوف به قدرت

فریدریش نیچه

ترجمه دکتر محمد باقر هوشیار

نشر و پژوهش فرزانه روز

قیمت ۵۰۰ تومان